

بررسی نقش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی (مورد مطالعه: آبادان ۱۳۱۲- ۱۳۸۰ش)

رضا کارگر کوتیانی^۱، علی رضا ابطحی^{۲*}، فیض اله بوشاسب گوشه^۳

۱- گروه تاریخ، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲- گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳- گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

انعقاد قرارداد داری در سال ۱۹۰۱ میلادی اکتشاف و پیدایش صنعت نفت، باعث تأثیرات عمیقی در ساختار اجتماعی آبادان گردید. صنعت نفت در حیات مجدد این شهر و تحولات جمعیتی آن نقش اساسی داشته است، به طوری که این شهر نفتی معروف به «شرکت شهر مدنیت یافته» گردید. قرار گرفتن در طبقه کارگر و کارمند شرکت نفت و بهره مندی از مظاهر تمدن غربی سبب تغییرات اساسی در زندگی سنتی مردم این منطقه نفت خیز گردید. به طوری که به ناگاه جامعه ای کاملاً سنتی که بخش عمده آن را عشایر عرب تشکیل می داد، به واسطه کشف نفت و حضور انگلیسی ها در این منطقه با آخرین دستاوردهای علمی و فنی غرب مواجه شد. یافته ها حاکی از آن است که فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب غربی ایران موجب ایجاد تأسیسات و پالایشگاه های مدرن در آبادان شد. استخدام عشایر و روستائیان به عنوان کارگر در صنعت نفت و بهره مندی از امنیت نسبی، امکانات مالی ثابت و خدمات

بهداشتی سبب مهاجرت افراد از نقاط مختلف به منطقه نفت خیز آبادان شد. در این پژوهش تلاش بر آن خواهد بود با تکیه بر اسناد و منابع موجود و بهره گیری از روش پژوهش تاریخی به شیوه توصیفی و تحلیلی مورد کنکاش قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: صنعت نفت، ساختار اجتماعی، آبادان، انگلیس، داری.

مقدمه

یکی از مهمترین امتیازاتی که در ابتدای قرن بیستم دولت انگلیس از قاجارها اخذ نمود، امتیاز نفت داری بود. در واقع این امتیاز ارزشمندترین ثروت ایران در قرن بیستم در اختیار انگلستان قرار گرفت. با کشف و بهره برداری از نفت، سیاست‌ها و برنامه دولت استعماری انگلیس در قبال کشور ما تحت الشعاع این ماده استراتژیک تغییر کرد. پس از کشف نفت در ایران به سال ۱۲۸۷، شهر فعال و صنعتی آبادان، جزیره آرامی بود با درختان خرما و رودخانه ای که در آن ماهی صید می شد. موقعیت آبادان برای احداث پالایشگاه مناسب ارزیابی شده بود، زیرا از یک طرف آب مصرفی پالایشگاه به آسانی فراهم می شد؛ از طرف دیگر آبادان در موقعیتی قرار گرفته بود که می توانست لنگرگاه مناسبی برای کشتی های نفت کش و بار است. آبادان از زمان آغاز یعنی شروع به کار پالایشگاه و شکل گیری شهر تا سال ۱۳۲۰ش دو دوره تاریخی را پشت سر گذاشت و در این دوره ها رشدهای متفاوتی را تجربه کرده است. دوره اول از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۳ میلادی یعنی از زمان بهره برداری تا تقریباً اواسط دوران رضاشاه معروف به قرارداد «ویلیام داری» و دوره دوم تمدید قرارداد داری از سال ۱۳۱۲ ش تا ملی شدن صنعت نفت را می توان نام برد. پالایشگاه نفت واقعیت بارز زندگی در آبادان بود، دلیلی که بر آنکه چرا شهرنشینی به این جزیره شور لم یزرع در گوشه جنوب غربی ایران پا گذاشته است. در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی پالایشگاه آبادان به بزرگترین پالایشگاه جهان بدل شده است.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق تاریخی است و با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، مهم ترین عوامل شکل گیری شهر آبادان و تأثیر صنعت نفت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی را در میان سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۳۲۰ ه.ش مورد تحلیل و تبیین قرار می‌دهد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای است که تلاش می‌شود کتب و اسناد موجود در این زمینه در حد امکان مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش و فرضیه اصلی

پرسش اصلی این پژوهش به شرح ذیل است:

- پیدایش صنعت نفت چه تأثیری در ساختار اجتماعی آبادان داشته است؟
- فرضیه مبنا در این مقاله آن است که: «پیدایش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی، تغییر معیشت، ورود واژگان بیگانه در گویش مردم آبادان تأثیر گذار بوده است».

پیشینه پژوهش

در بیشتر پژوهش‌های مربوط به شهر آبادان، توضیحات چشم‌گیری در خصوص اکتشاف نفت و قراردادهای نفتی وجود دارد که بیشتر حجم این پژوهش‌ها مربوط به جزئیات قراردادهای نفتی است. در خصوص نقش پیدایش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی آبادان تحلیل چندانی صورت نگرفته است. تنها در کتاب «جامعه‌شناسی آبادان» اثر عبدالعلی لهسایی‌زاده اطلاعاتی در مورد تاریخچه پیدایش آبادان و تأسیس پالایشگاه نفت و تغییرات اجتماعی حاصل از پیدایش صنعت نفت بر این منطقه نفت خیز ارائه شده است. با توجه به گستردگی مطالب کتاب و تلاش نگارنده برای طرح ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی موضوع، نکات قابل توجه نیز در بیان ساختار شهری و تأثیرات پیدایش صنعت نفت بر روی شهر آبادان طرح شده است.

نویسنده در مقدمه، به آن چه دیگران در مورد آبادان نوشته‌اند مطالبی ارائه می‌دهد. در فصل سوم تاریخچه پیدایش آبادان، وجه تسمیه، آبادان پیش از تأسیس پالایشگاه، انگلیسی‌ها و

ایجاد آبادان مدرن پرداخته و در فصل ششم در مورد ساختار اجتماعی آبادان مطالبی آورده شده است. همچنین می‌توان از مقاله‌های نام برد که در خصوص شهرک‌های نفتی خصوصاً آبادان به این موضوع پرداخته‌اند: «تحول هویت اجتماعی، پیامدهای معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان» اثر کاوه رستم پور و دیگران؛ «اوضاع مناطق نفت خیز ایران پس از کشف نفت و تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس» اثر محمد حسن نیا و هدی سلیمی؛ «شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان؛ مطالعه ای درباره تاریخ شهر کوشینی (۱۹۵۱-۱۹۰۸)». اثر پولین لاواین دورتینگ و آبادان؛ «شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس» اثر مارک کریسون.

پیشینه تاریخی آبادان

بخشی از جزیره آبادان در دوره ساسانیان باستان آبادان اوپاتان نام داشته است. بعد از پیدایش اسلام آبادان را عبادان خواندند و به دلیل وجود زیارتگاه کوچکی که ادعا می‌شود خضر نبی در آن دیده شده است. گاهی به این منطقه نام مذهبی جزیره الخضر همه داده است. در سال ۱۳۱۴ طی مصوبه شورای وزرای وقت نام عبادان به آبادان تغییر یافت. پس از پیدایش نفت خام در سال ۱۲۷۸ شمسی (۱۹۰۸ میلادی) در نواحی مسجد سلیمان، آبادان به دلیل نزدیکی به مناطق نفت خیز، قرار گرفتن در میان رودخانه‌های اروند و بهمنشیر، در فاصله ۷۱ کیلومتری خلیج فارس و قابل دسترسی به آب‌های آزاد دنیا انتخاب گردید. به همین منظور اولین کلنگ احداث پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۱ (۱۹۱۲م) با ۲۵۰۰ شبکه در روز به عنوان اولین تصفیه خانه نفت کشور آغاز به کار نمود. در سال‌های جنگ بین‌المللی اول پالایشگاه آبادان به منظور دستیابی تهیه سوخت برای کشتی‌های جنگی، گسترش بیشتری یافت. در سال ۱۳۱۴ طی مصوبه شورای وزرای وقت، نام آبادان رسمی شد. پیش از این بخشی از جزیره آبادان در دوره ساسانیان بهمن اردشیر خوانده می‌شد که نام رود بهمنشیر یادگار آن نام کهن است. اوپاتان نیز که نام کهن تر آبادان است امروز بیشتر زیب شرکت‌ها و سازمان‌ها در شهر آبادان است. همچنین به دلیل وجود زیارتگاه کوچکی که ادعا می‌شود خضر نبی در آن دیده شده است گاهی به این منطقه نام مذهبی جزیره الخضر همه داده شده است. در نزهت القلوب

حمدلله مستوفی آبادان مرز آخر ایران زمین در جنوب غربی معرفی می‌شود و در گذشته دور نیز آبادان را آخرین شهر ایران می‌دانستند. بیشتر مردم این شهر از آغاز ساخت پالایشگاه از گوشه گوشه ایران و به ویژه از بخش‌های جنوبی، مرکزی و غربی کشور به این شهر کوچ کردند و با هم جامعه و فرهنگ آبادان را ساختند. این مهم در اوایل قرن بیستم اتفاق افتاد که از دهه نخست آن با شکل‌گیری فعالیت‌های نفتی در منطقه آبادان مهاجرت مردم از سرتاسر ایران به آن منطقه آغاز شد. تقریباً تمام اقوامی که به آبادان کوچ کردند مساجد، معابد، کلیساها و حسینیه‌هایی برای خود تدارک دیدند که بسیاری از آنان تا به امروز پابرجاست. مانند حسینیه و مساجد لاری‌ها، بلوچ‌ها، بوشهری، اصفهانی‌ها، دوانی‌ها، آذربایجانی‌ها و دیگران.

آبادان در دوران قاجار

در دوران قاجاریه جزیره آبادان زیر نظر حکومت مرکزی بود. این جزیره هرچند از نظر اقتصادی و تجاری رونق چندانی نداشت اما از نظر سیاسی میان دولت ایران و عثمانی محل منازعه بود. با تلاش امیر کبیر در عهدنامه مرزی ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۶۳.ه.ق/۱۸۴۷.م. بندر محمره (خرمشهر) جزیره الخضر (آبادان)، لنگرگاه و اراضی واقع در ساحل شرقی شط العرب به طور رسمی تحت حاکمیت مطلق دولت ایران درآمد (طرفی، ۱۳۸۱: ۲۶) در زمان ناصرالدین شاه عشایر عرب ساکن در خوزستان به چند دسته تقسیم می‌شدند و هر بخش شیخی جداگانه داشت. کعبیان باوی زیر نظر حاج جابرخان نواحی محمره تا اهواز را در دست داشتند و شیخ المشایخ ریاست کعبیان فلاحیه و نواحی پیرامون آن را عهده دار بود، عشایر حویزه زیر نظر خاندان مشعشع بودند در شوشتر و دزفول آل کثیر و در نزدیکی‌های رامهرمز آل خمیس قدرت را در دست داشتند (کسروی، ۱۸۵، ۱۳۶۲-۱۸۶). از میان این پنج شیخ حاج جابرخان به دلیل روابط بهتری که با حکومت داشت از قدرت بیشتری برخوردار بود و هر روز بر قدرت او افزوده می‌شد (کسروی، ۱۳۶۲: ۱۸۶). چنانچه هر کشتی انگلیسی که از شط عبور می‌کرد باید در جلوی فیلیه (کوشکی که نشیمنگاه حاج جابرخان بود) توپ سلام شلیک کند و از فیلیه نیز به آن پاسخ داده می‌شد (کسروی، ۱۳۶۲: ۱۹۰). بعد از مرگ حاج جابرخان بر سر جانشینی پدر میان دو تن از پسران او به نام محمد و شیخ مزعل درگیری صورت گرفت که سرانجام شیخ

مزعل به دلیل حمایت قبیله، قدرت را در دست گرفت و از طرف حکومت مرکزی نیز لقب معزالسلطنه و رتبه امیر تومانی دریافت کرد و فرماندهی توپخانه و فوج سربازان محمره را به او سپردند. علاوه بر آن از قصبه تا سر حد بصره و از اهواز تا محمره مالیات همه عشایر را، او جمع آوری می کرد و مبلغ آن را یکجا به خزانه دولت و یا به حکم خوزستان می پرداخت (کسروی، ۱۹۱، ۱۳۶۲). سرانجام شیخ مزعل توسط برادر کوچکش شیخ خزعل در سال ۱۳۱۵ ه. ش. کشته شد (کسروی، ۲۰۲، ۱۳۶۲). شیخ خزعل خیلی سریع تمامی شیوخ خوزستان را مطیع نمود و حوزه قدرت خود را به مناطقی فراتر از حوزه اجدادی خود بسط داد. با آغاز درگیریهای مشروطه خواهان در ایران تا فاصله سالهای جنگ جهانی اول که حدود هشت سال به طول انجامید فرصت مناسبی فراهم گردید تا شیخ خزعل پایه های قدرت خود را در خوزستان استوار گرداند. و با استفاده از شرایط نابسامان حکومت، جمع آوری مالیات عشایر را در دست بگیرد و بستگان خود را در رأس عشیره ها قرار دهد؛ حکومت نیز فعالیت های شیخ را تأیید می کرد. به هر طریق، شیخ خزعل تمامی عشایر خوزستان را به زیر سلطه خود کشاند (کسروی، ۱۳۶۲: ۲۱۱). او در این اندیشه بود تا با استفاده از حمایت انگلستان، مانند مبارک بن صباح شیخ کویت، فرمانروایی جداگانه را با عنوان سلطان عربستان در خوزستان بنیانگذاری نماید (کسروی، ۱۳۶۲: ۲۱۲). اکتشافات نفتی در میدان نفتون (مسجد سلیمان) موجب حمایت بیشتر انگلیسی ها از شیخ خزعل گردید که سرانجام با درگیری حکومت مرکزی ایران و از میان برداشتن شیخ خزعل خاتمه یافت. بعد از این وقایع است که شهر جدید آبادان رونق گرفت.

اولین کسی که اداره شرکت را در آبادان بر عهده داشت آقای داوید سون بود. وی در سال ۱۹۰۹ م به آبادان آمد. در اولین نامه ای که او برای خانواده اش نوشت محل جدید را سرزمین "آفتاب، گل، پشه" نامید. عکس هایی که داوید سون در آن زمان از محل گرفته است نشانگر این موضوع است که سرزمین آبادان منطقه ای صاف و عاری از هر موجود زنده ای بوده است به صورتی که در مواقع سیل های ناگهانی او ناگزیر بود از بلم استفاده کند تا بر روی آب شناور باشد (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۳: ۱۷۴-۱۷۰). فقط چند کپر و مقداری نخلستان وجود داشته است (کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ۱۳۲۹: ۱۸۱). اولین وظیفه داوید سون احداث کوره

آجرپزی بود که موفقیت چندانی حاصل نکرد. سپس وی اقدام به طراحی و ساخت اسکله کرد. بعد از چند ماه تعدادی از اعضای با تجربه فنی و اداری شرکت نفت برمه به همراه تعدادی تکنسین ماهر از پالایشگاه رانگون برمه به وی پیوستند. با رونق گرفتن کار در آبادان افراد قبایل مختلف به آبادان مهاجرت کردند.

مجموعه فعالیت‌های وسیع صنعتی در پالایشگاه و احتیاجات و روزافزون به نیروی انسانی فعال، باعث مهاجرت عده کثیری از روستائیان و شهرنشینان مختلف خوزستان و جنوب ایران به بندر آبادان گردید (سیادت، ۱۳۷۴: ۳۱۳). یکی از قدیمی ترسن اطلاعات در دسترس در مورد آبادان مربوط به سال ۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶م است، که شهر به این صورت توصیف گردیده است: «اکنون (عبادان) یکی از شهرهای بزرگ و آباد به شمار می‌رود و خیابان‌هایی در آنجا کشیده شده که شب‌ها با الکتریک روشن می‌شود و چنانچه گفتم مردم آنجا از هندی، ایرانی و اروپایی از سی هزار تن بیشتر هستند» اطلاعات آن زمان نشان از رشد سریع و غیر معمول یک شهر با جمعیت بسیار اندک را دارد (لهسایی، ۱۳۸۳: ۴۲۲-۴۲۰). این رشد سریع جمعیت به همراه خود رشد تضاد طبقاتی، صنایع، مدارس، مراکز تفریحی، کشاورزی، دامپروری و... را آورد. عامل مهم این رشد، صنعت نفت است که رابطه رشد صنعت نفت و تضاد طبقاتی؛ مسیر رشد ناموزون شهر آبادان را بهتر نشان می‌دهد.

شرکت نفت ایران و انگلیس و ساختار شهری آبادان

شاید بهترین توصیف آبادان از دهه ۱۹۲۰م تا سال ۱۹۵۱م که زیر سلطه شرکت نفت ایران و انگلیس است، این باشد: مجموعه‌ای از صورتهای شهری که پیرامون پالایشگاه نفت شکل گرفته است. آبادان در چشم شرکت و کارکنان انگلیسی اش هویتی یک دست نداشت؛ البته شهری وجود داشت که گاهی به آن بازار هم می‌گفتند (لهسایی، ۱۳۸۳: ۹۵). در سال ۱۹۱۰م پالایشگاه شرکت نفت در آبادان تأسیس شد و محوطه‌ای هم برای ساخت خانه‌های ویلایی قطعه بندی شد. اولین ساختمان را از سازه‌ای فلزی با روکش چوبی ساختند و به زودی نخستین بنای ویلایی اعلاء هم ساخته شد. این ویلا ساختمانی آجری بود که به سبک محلی و با سقفی از حصیر و چنل ساخته شد، یعنی سقفی با تیرهای چوبی نازک نزدیک به هم که بر آنها

حصیرهایی یافته شده از برگ نخل می‌انداختند و رویشان را با گل می‌گرفتند. از طبقه بالای این بنا کارکنان ارشد استفاده می‌کردند و طبقه پایین به دفتر و درمانگاه اختصاص داشت. چند سال بعد در جای این بنا، ویلایی ساختند که اولین ساختمان دائمی در آبادان بود. در نقشه‌های قدیمی الگوی ساده‌ای برای توزیع ساختمان‌ها دیده می‌شود، پالایشگاه، به صورت منظم از کناره شط در خشکی گسترده شده بود. مصالح و تجهیزات پالایشگاه را از انگلستان به آبادان آوردند. دفترها و ساختمان‌های کاری دیگر را در نواری باریک بین پالایشگاه و رودخانه ساختند. کارگران یا در چادر زندگی می‌کردند یا در خانه‌های کوچک گلی که در جنوب شرقی پالایشگاه مثل سربازخانه ردیف شده بود و محوطه آنها به «کولی لاین‌ها» معروف بود. منطقه ویلایی که به آن بریم هم می‌گفتند، در مرز جنوب غربی پالایشگاه قرار داشت (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۶).

در اوایل دهه ۱۹۲۰م، بریم از مجموعه چند ساختمان پراکنده به شبکه‌ای از ساختمان‌های قابل گسترش تبدیل شده بود که شامل خوابگاه‌های مخصوص کارکنان مجرد و همچنین ویلاهای دو طبقه بزرگی در نزدیکی رودخانه برای کارکنان ارشد می‌شد. در این خانه‌ها، برای مقابله با گرما از دیوارهای ضخیم، پنجره‌های کرکره‌ای و ایوانهای پهن طاق‌نمادار استفاده می‌شد. احداث مجموعه‌ای از تأسیسات همگانی، مانند باشگاه سوارکاری و پارک‌های متعدد هم شروع شده بود (لهسانی، ۱۳۸۳: ۹۶). آبادان در سال ۱۹۲۸م در جنوب شرقی، قدری دورتر از پالایشگاه قرار گرفته و به وسیله پارکی تازه‌ساز، از ردیف خانه‌های کارگری (کولی لاین‌ها) جدا شده است. شهر برای مقصود خاصی پدید آمده بود و گویی به همان مقصود هم توسعه یافت. بافتی بسیار متراکم متشکل از بناهای بومی‌ای که قبل از پالایشگاه هم وجود داشت و انبوهی از خانه‌های جدید برای اسکان کارگرانی که در داخل و پیرامون پالایشگاه کار می‌کردند و شرکت مسکن کافی برایشان تدارک ندیده بود. تماس میان «شهر» و بریم بیشتر به واسطه مستخدمان برقرار می‌شد. هر دو منطقه مسکونی در خدمت پالایشگاه بودند، اما پالایشگاه آنها را از هم جدا می‌کرد. «منطقه ویلایی» با قطعه بندی‌های بزرگ در طرف غرب قرار گرفته بود تا از بادهای غالب بهره‌مند شود و در طرف مشرق، «شهر» بود که متراکم‌تر و خفقان‌آورتر می‌شد، چنان‌که یکی از مقامات شرکت آن را «زخمی باز در جراحی‌های ما»

توصیف کرده بود. پالایشگاه که بین بریم و «شهر» قرار گرفته بود، هم کانون کالبدی آبادان بود و هم بنا به سرشت توسعه مسکونی، نقش نوعی پرده یا حایل بهداشتی را در بین این دو قلوهای ناهمسان ایفا می کرد. تبعیض تقریباً کاملی در مسکن و همچنین در استفاده از اتوبوس و باشگاه و سینما برقرار بود. کار کرد، هویت، موقعیت و مصالح سه عنصر اصلی ساخت و ساز در آبادان از آغاز تعیین شده بود. انگلیسی ها که عموماً منکر هویتی واحد برای آبادان بودند و عنصر مهم در این انکار استفاده از بانگالو (خانه ویلایی یک طبقه) در بخش اروپایی نشین بود. بانگالو نوعی مسکن به سبک خاص انگلیسی - هندی بود که در آغاز در مستعمره هند پدید آمد. بانگالو ضمن آن که در کشورهای انگلیسی زبان به صورت مسکن حومه شهری یا ییلاقی پذیرفته شد، از سال های آخر قرن نوزدهم به بعد این نوع ساختمان برای سکونت مدیران انگلیسی معادن، راه آهن و مزارع در مستعمرات، که مواد خام برای اقتصاد آن کشور تهیه می کردند به مستعمرات صادر شد. منطق استقرار در آبادان این بود که نخبگان فنی و مدیران ارشد و همچنین کارگران همگی در نزدیکی پالایشگاه، حتی به ناچار در دو طرف باشند (لهسایی، ۱۳۸۳: ۹۷). بافت شهر آبادان به سبک انگلیسی ساخته شد که دارای محله های مختلف و جدا از هم (درجه بندی) با خیابان ها و کوچه های کم عرض و میدان های متعددی بود و در واقع باعث جدایی طبقات اجتماعی و نیروهای کارمند و کارگر می گردید. ناحیه صنعتی «پالایشگاه و مجمع پتروشیمی» در قلب شهر در کنار ساحل رودخانه اروند رود احداث شده بود تا انگلیسی ها به راحتی بتوانند فرآورده های نفتی مورد نیاز را از راه آبی حمل نمایند. در نزدیکی این واحدهای صنعتی منازل شرکتی اعیان نشین کارمندی (بریم و بوارده) بود و منازل کارگری را در منطقه بهممنشیر احداث نمودند بعد از این مناطق کوی کارگری بهار، پیروز آباد، سیکلین و اروسیه ایجاد گردید و محدوده حاشیه شهر که فاقد خدمات بود محل سکونت خانوارهای غیرایرانی شرکتی شد که عموم این کارگران افراد بومی بودند (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۹).

شرکت برای کارکنان اروپایی خود هم نقش دولت رفاهی ایفاء می کرد و هم نقش حاکم نماینده بریتانیا در مستعمره را؛ یا به عبارت دیگر حاکم بلامنازع بود. اما در قبال خیل کثیر کارکنان غیراروپایی مسئولیت کمتری بر عهده می گرفت و نظام اجتماعی کارکنان غیراروپایی

اگر هم تعریف شده بود، تنها بر پایه قوانین کار بود. شرکت پس از آن که پذیرفت خدماتی نظیر امکانات درمانی و آموزشی و مسکن را تأمین کند، قوانین دیگری هم بر کارکنان خود تحمیل کرد. در این وضع، کار شرکت به خوبی انجام می‌شد؛ اما نابرابری در منابع شرکت و در پاداش‌های اروپاییان و غیراروپاییان به وضوح در شکل فضای شهری و مسکن در محلات متفاوت دیده می‌شد. منابع شرکت بیشتر در جهت ساخت مسکن و دیگر امکانات برای کارکنان ارشد هدایت می‌شد. مسکن نیز همچون کارکنان شرکت به سه دسته تقسیم می‌شد: خانه‌های کاملاً مجهز با اثاث کامل برای کارکنان انگلیسی و تنی چند از مقامات ارشد ایرانی؛ خانه‌های نیمه مجهز برای کارکنان جزء و غیراروپایی؛ خانه‌های بدون اساس و تجهیزات برای کارگران روزمزد. در سال‌های آغازین کار شرکت بیشتر خانه‌ها متعلق به کارکنان ارشد بود و تأمین مسکن کارگران و حتی کارکنان جزء به بازار آزاد یا شهرداری واگذار می‌شد. شرکت تأمین مسکن برای تعداد زیاد کارکنان غیرقراردادی را وظیفه خود تلقی نمی‌کرد و آنها در شهرک‌های زاغه‌ای در حاشیه شرکت یا محدوده شهری زندگی می‌کردند. بنابراین هر چند جداسازی نژادی رسماً صورت نگرفته بود، اما در عمل با تفاوت در تأمین مسکن، این جداسازی انجام شد. بعدها، حتی وقتی دولت ایران به تندی از این سیاست انتقاد کرد که، سرمایه‌گذاری شرکت در احداث مسکن در مقایسه با ابعاد مسأله (با وجود تعداد کارکنان شرکت در پایان جنگ دوم جهانی، از ۶۵۴۶۱ نفر از کارکنان شرکت در آبادان، فقط ۲۳۵۷ نفر انگلیسی بودند) بسیار اندک است؛ شرکت برای دفاع از این سیاست خود ادعا می‌کرد هدفش ساخت مسکن با کیفیت و مرغوب است، نه تولید سریع و کمی. منظور از کمیت در اینجا وجود ارزش‌هایی از فرهنگ خاص بود که در هزینه‌های کلان برای ایجاد زیرساخت‌های جدید و رفاهی (نظیر برق، فاضلاب، راه و حتی در مواردی تهویه مطبوع) متجلی می‌شد و این کار به قیمت بی‌توجهی به راه‌حلهای واقعی برای تأمین مسکن در نواحی شلوغ و فرسوده غیراروپایی تمام می‌شد. این وضعیت بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی تأثیر مستقیمی داشت و موجب نابرابری اقتصادی و اجتماعی می‌گردید تا جایی که دولت ایران نیز برای حل این معضل به دنبال چاره‌ای بود و تصمیم داشت در قرارداد نفت ۱۹۳۳/۱۳۱۲ش گوشه‌ای از این مشکلات را حل نماید. چنانکه در خاطرات سرجان کدمن آمده است که هیأت ایرانی بیشتر

خواستار گنجاندن ماده جدیدی در متن نوین قرارداد هستند که به موجب آن کارمندان ایرانی شرکت نفت در آتیه بتوانند به مقامات و پست‌های حساس در تشکیلات شرکت نایل گردند. و مسائلی نظیر این نشان می‌دهد وخامت شرایط به میزانی بود که حتی دولت وقت نیز یکی از اولویت‌های خود را در قرارداد جدید به حل این مسأله اختصاص داده بود (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۴-۷۹).

صنعت نفت و تحول جمعیتی در آبادان

یکی از بارزترین وجوه توسعه اجتماعی در آبادان تحت تاثیر پیدایش و توسعه صنعت نفت می‌توان در بافت جمعیتی و تغییراتی که در این منطقه رخ داد می‌توان مشاهده کرد. از بدو استخراج نفت و پیدایش زمینه فعالیت در صنعت نفت، جمعیت این شهر نفتی به سرعت افزایش یافت. گسترش فعالیت و عملیات شرکت نفت و احتیاج به کادر فنی و اداری و با ایجاد شبکه‌های لوله نفت، گاز، آب و نیروی الکتریسیته سبب شد که مردم از گوشه و کنار ایران به این شهر روی آورند، ایجاد مدرسه فنی، دبستان، دبیرستان و تأسیس مراکز بهداشتی و درمانی سبب شد که بسیاری از روستاییان مقیم نواحی مجاور به آبادان کوچ کنند (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۲۴۱).

کشف نفت در سال ۱۹۰۸م/۱۲۷۸ش در مسجد سلیمان، موجب تأسیس پالایشگاه‌های نفتی، احداث شهرک‌هایی متفاوت با بافت معمول شهرهای سنتی ایران در منطقه مسجد سلیمان و آبادان و همچنین استخدام عشایر و روستائیان به عنوان کارگر در مجموع وسیع صنعت نفت شد. در آغاز کار، شرکت نفت می‌کوشید خوانین و کدخداها را متقاعد کند تا شماری از عشایر و روستائیان منطقه را به استخدام فصلی و مقطعی در آورد؛ اما، با وابستگی صنایع جهان غرب به نفت و توسعه فعالیت صنایع نفتی، لازم آمد تعداد کارگران متخصص و غیر متخصص در شرکت نفت ایران و انگلیس افزایش یابد (..... ..).

تلاش شرکت نفت ایران و انگلیس برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز صنعت نفت، موجب سیل مهاجرت به این منطقه شد. تفاوت‌های فرهنگی و قومی مهاجران سبب شد تا فرهنگی جدید و مختلط در سال‌هایی اندک جایگزین فرهنگ بومی عشایر لر و عرب شود. سکونت

آنان در شهرک‌های جدید و آشنایی با تمدن اروپایی نیز مشکلات و پیامدهای خاص خود را داشت. در این سال‌ها مسکن و شهرسازی، آگاهی سیاسی کارگران و کسبه و ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و منس‌استعماری شرکت نفت آشنایی با بهداشت و درمان به سبک غربی و جایگزینی آن با طب سنتی، استقبال از شیوه‌های جدید آموزشی و تلاش برای یادگیری حرفه‌ای کار و بسیاری یافته‌ها و دگرگونی‌ها در کنار رشد صنعت نفت در منطقه نفتی ایجاد شد. انگیزه‌هایی که موجب مهاجرت مردم از شهرها و روستاهای ایالات دیگر به مناطق نفتی شد از جمله فرار از قحطی و ناامنی در ایالات دیگر ایران و به دست آوردن شغل و درآمد ثابت، عامل مهم در مهاجرت مردم از سرزمین‌های مادری به ایالتی ناآشنا و بد آب و هوا بود. جذب عشایر به سکونت در شهرهای نفتی نیز علل مختلفی داشت. توسعه صنعت نفت به جابه‌جایی جمعیت، افزایش جمعیت، تغییر مشاغل و شکل‌گیری قشر کارگر صنعتی در مناطق نفت خیز جنوب ایران انجامید. وجود ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در ایران مقارن با دوره تاریخی استبداد صغیر و قحطی‌های مکرر در مناطق مختلف نیز تأثیر بسزایی در انتخاب گزینه مهاجرت به سرزمین گرم و غریب خوزستان داشت. جمعیت مهاجران داخلی و خارجی که در این سال‌ها به خوزستان وارد شدند به لحاظ دینی، قومی، ملیت، معیشت، زبان، فرهنگ و بسیار ویژگی‌های دیگر باهم متفاوت بودند. این چیزی بیش از یک جابه‌جایی جمعیت بود با اطمینان می‌توان گفت: زندگی و بود و باش آنان تغییر کرد (معتقدی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). در چنین اوضاع و احوالی امنیت ایجاد شده توسط شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق نفتی نیز در مهاجرت به خوزستان تأثیر گذار بوده است. ویلسون در این باره می‌نویسد:

«اوضاع سیاسی ایران در تمام سال ۱۹۱۰ به مراتب وخیم‌تر از سال قبل بود و با این وجود این جای مسرت است که امنیت و آرامش خوزستان مثل سایر نقاط ایران دستخوش هرج و مرج نگردید و اعضای شرکت در یک محیط عادی و آرام به انجام وظایف خود توفیق حاصل نمود» (ویلسون، ۱۳۶۳: ۱۶۴). شایان ذکر است در کنار عامل هرج و مرج و ناامنی در اواخر دوران قاجار، طبیعت نیز با اوضاع سیاسی هم داستان شده و فشار بر مردم را دو چندان کرده بود. در این سال‌ها به دفعات خطه‌های مختلف این سرزمین دچار آفات و بلایای طبیعی شده؛ حوادثی که نمی‌توانست بر ایجاد انگیزه برای مهاجرت بی‌تأثیر باشد. برزو قحطی در لرستان و

تأمین غله از عراق (ساکما: ۱۳/۷۶۹۱، ۲۴۰-۱) قحطی در قزوین (ساکما: ۲۹۳/۲۱۹)، بروز قحطی و خشکسالی در استرآباد (ساکما: ۲۴۰/۱۸۶۲۸)، کردستان (ساکما: ۲۹۶/۵۲۱۳) و ملایر (ساکما: ۲۴۰/۲۳۳۶) در سال ۱۹۱۲م از این جمله‌اند. همچنین، در اصفهان به علت قحطی و کمیابی نان، عده‌ای از زنان دست به تظاهرات زده و به عمارت بلدیة حمله کرده، پس از غارت اموال، رئیس بلدیة را به قتل رسانده و جسد او را در میدان شاه آویزان کردند (عاقلی، ۱۳۶۹: ۵۵). بنابراین عجیب نیست که تعداد بسیاری از کارگران و کسبه مناطق نفتی مسجدسلیمان و آبادان، مهاجران اصفهانی بودند. چارلز عیسوی در این باره می‌نویسد:

«در روستاهای اطراف اصفهان درصد زیادی از روستائیان بدون زمین بودند در این روستاها نیروی غیر ماهر صنعت نفت جنوب را عرضه می‌کردند...» بیشتر از ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت متعلق به ناحیه اصفهان بودند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۷۳). بنابراین، منطقه نفت خیز جنوب در زمانی که تمام کشور دستخوش بلوا و قحطی‌ها بود، مأمنی شد برای کسانی که آماده بودند تن به کاری سخت در هوایی سوران بدهند، اما قحطی و ناامنی را دوباره تجربه نکنند.

تأثیر صنعت نفت بر سبک زندگی مردم آبادان

قرار گرفتن در طبقه کارگر و کارمند شرکت نفت و استفاده از مظاهر تمدنی مسکونی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی آنها سبب وارد شدن شکل جدیدی از زندگی به جای زندگی سنتی سابق شد. این خدمات باعث تفکیک زندگی مردم به کار، سکونت و تفریح و... به عنوان شعار رایج شهرسازان نوگرای آن زمان می‌شد. کار جدید به جای زمان حاکم بر جوامع سنتی یعنی زمان طبیعی از زمان صنعت و جامعه صنعتی مدرن یعنی حرکت بر اساس حرکت عقربه‌های ساعت تبعیت می‌کرد و سکونت از چادرنشینی با خانه‌های سنتی به خانه‌های ویلایی و ردیفی با امکانات نوین منتقل شد که فضاهای این خانه‌ها عموماً فضاهایی نبودند که به زندگی ایل جواب دهند (باور، ۱۳۹۰: ۹۳). اوقات فراغت نیز در مکان‌هایی چون استخر، سینما و باشگاه‌های شبانه می‌گذشت که قبلاً در هیچ کجای ایران برای آن مشابهی وجود نداشت. سنت‌ها دیگر نه به عنوان بخشی جاری در زندگی روزانه؛ بلکه بخش‌هایی سطحی از آن تنها به

عنوان رسوم زندگی مردم به چشم می‌خورد. به تبع ورود تمدن جدید و نقش آن در زندگی مردم، محیط انسانی و طبیعی نیز دستخوش تحول قرار گرفت. به جای کوچ‌های همراه با مشقت به مناطق ییلاقی و برعکس، طبیعت دلخواه به مدد فناوری در مناطقی سوزان ایجاد می‌شد که نتیجه آن تبدیل شهرهای نفتی به مناطق سرسبز بود.

به دلیل آنکه انتخاب محل این شهرها برخلاف شهرهای سنتی تنها بر پایه مکان‌یابی صنعتی بود (دورتینگ، ۱۳۸۲: ۲۰۱). هم‌نوایی با طبیعت به تسخیر آن بدل شد. هویت قومی و نژادی جای خود را به هویت طبقه اجتماعی که بسیاری اقوام مختلف ساکن خوزستان و تا حدودی سایر مناطق تشکیل می‌شد داد و اصولاً ویژگی هویت تازه عدم وابستگی به قوم، قبیله و شهر و ولایت مبدا مهاجرین بود (جعفری، ۱۳۸۳: ۲۸). بنابراین روابط اجتماعی به صورت مهندسی اجتماعی نوین تحت تاثیر موقعیت شغلی ایجاد می‌شد و پیشینه و گذشته تاریخی هیچ‌گونه مزیتی نداشت، بلکه سابقه شغلی و رتبه کارمندی ارزش هر فرد و خانواده او را معین می‌کرد. از این رو تغییرات چشمگیری در هویت سکنه و مهاجرین به این مناطق رخ داد.

عمده‌ترین تغییرات در بخش‌های آشکار هویت به وقوع پیوست و به آرامی در بخش‌های پنهان هویت ساز نیز نفوذ کرد. هر چند که اولویت شرکت نفت بر اساس فرهنگ کار به جای فرهنگ زندگی بود، سرانجام به واسطه شکل زندگی، فضاها، فرهنگی و اجتماعی و آموزشی نوین، توسعه اجتماعی و نفوذ در لایه فرهنگ نیز اتفاق افتاد. به دلیل اینکه کار، پایه تشکیل همه چیز بود، در سال‌های ابتدایی تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس اتحادیه‌های کارگری شکل گرفتند و در سال‌های بعد منطقه شاهد پیدایش قشر روشنفکر، نویسندگان و هنرمندان در شهرهای نفتی از جمله مسجدسلیمان و آبادان گردید. که همگی نمایان‌تثیت هویت جدید در این شهرها بودند، هویتی که نفوذ غرب را حتی در بسیاری از واژه‌های زبان مادری خود حس می‌کرد.

لذا می‌توان تحول هویت و ایجاد هویت شرکتی را چنین تشریح کرد: به دلیل ضعف دولت مرکزی، شرکت نفت توانست پس از تعامل با خوانین و شیوخ، خود را به عنوان رهبر و برنامه‌ریز (سیاست) در منطقه مطرح کند. با ورود فناوری و خدمات نوین زندگی (تمدن) به منطقه، بخش عمده‌ای از جامعه روستایی و عشایری آن به خدمت شرکت نفت درآمدند که

آشنایی اولیه ایشان و سپس استفاده از خدمات رفاهی و مسکونی انگلیسی‌ها، به تغییر رفتارها و شکل زندگی گذشته (سنت) و پس از آن تحول ارتباطات اجتماعی، ارتباط با طبیعت، اولویت طبقه شغلی بر قومیت و گذشته تاریخی (محیط) منجر شد. همچنین توسعه فرهنگی، اجتماعی و ورزشی باعث ایجاد طبقات فرهنگی و روشنفکر در جامعه جدید شد و توانست هویتی مستقل ایجاد کند که فرهنگ آن از یک سو با تمدن نوین در تماس بود و از گذشته خود، دین و برخی آداب و رسوم را حفظ کرده بودند.

همزمان با اکتشافات نفت در خوزستان و نیز آغاز فعالیت‌های شرکت نفت ایران و انگلیس پدیده وام‌گیری واژگانی، به صورتی بسیار عمیق و گسترده در مناطق نفت خیز شکل گرفت. از آنجا که تاسیسات همه مدرن بودند و برای ابزار و آلات معادل فارسی وجود نداشت، ایرانیان مجبور بودند همان کلمات خارجی را که انگلیسی‌ها به کار می‌بردند، استفاده کنند تا بتوانند با رؤسای خارجی ارتباط برقرار کنند. همچنین ایرانیان برای این که بتوانند موقعیت بهتری را در سیستم به دست آورند سعی می‌کردند تماس نزدیکی با انگلیسی‌ها داشته باشند. در نتیجه باید نشان می‌دادند که زبان انگلیسی را می‌توانند بهتر استفاده کنند. به تدریج، به کارگیری این زبان حتی در گفت و گوهای روزانه خارج از محیط کار نیز رواج یافت. به کارگیری و یادگیری زبان انگلیسی یکی از لوازم ارتقای شغلی نیز بود. بنابراین سیل ورود واژه‌های انگلیسی و استفاده از آن در زندگی روزمره به راه افتاد.

همه این عوامل باعث شد که افراد دریادگیری و به کارگیری زبان انگلیسی از یکدیگر پیشی بگیرند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۱۱)، رواج زبان انگلیسی بین کارکنان انگلیسی و بعضی کارکنان ایرانی باعث شد که به مرور بعضی واژگان انگلیسی در گویش روزانه مردم معمول شود. کلماتی مانند گیلاس^۱ به معنی لیوان، مکینه^۲ به معنی ماشین اصلاح- آسیاب، و ایر^۳ به معنی سیم برق، آفیس^۴ به معنی اداره، لاین^۵ به معنی ردیف و کوچه از کلماتی هستند که هنوز هم در میان مردم رواج دارند (علم، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

از سوی دیگر فعالیت‌ها و اقدامات حساب شده شرکت، به تدریج موجب ترویج فرهنگ غربی در خوزستان شد و با برنامه‌های بلندمدت در تلاش بودند که این فرهنگ غربی را که با مبانی ملی مذهبی ایرانیان در تعارض بود را نهادینه کنند. توجه انگلیسی‌ها بر روی فرهنگ آموزش و پرورش از این سیاست نشأت می‌گرفت (علم، ۱۳۸۶: ۱۸۶).

سرانجام، اقدامات و امکانات شرکت میان کارکنان و کارگزارانش، به مرور باعث تبعیض میان کارکنان شد. این تبعیض‌ها در مواردی منجر به اعتصابات نیز می‌شد. نمونه‌های فراوانی از اعتصابات کارگران ایرانی نسبت به سیاست‌های شرکت نفت وجود دارد. از جمله به اعتصابات سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۸ و ۱۳۲۸ ش. و نیز در سال ۱۳۲۹ ش. که همزمان با ملی شدن نفت در مناطق نفت خیز صورت گرفت، می‌توان اشاره کرد. اعتصابات ۱۳۰۰ ش. و ۱۳۰۸ ش. و همچنین ۱۳۲۵ ش. برای افزایش دستمزد و مسکن و امکانات بهداشتی صورت گرفت. در اعتصابات سال ۱۳۲۵ ش. و ۱۳۲۹ ش. علاوه بر اعتراض به وضعیت معیشتی، کارگران به امور اداری شرکت نیز اعتراض شد و کارگران از آن اعتصابات خواهان عدم دخالت شرکت نفت را در امور سیاسی و داخلی ایران شدند (کاشانی، ۱۳۹۱: ۹۴-۷۶).

صنعت نفت و امکانات فرهنگی و آموزشی

فراهم کردن زمینه آموزش برای رفع نیازها و ایجاد مدارس نیز از عوامل موثر بر بافت اجتماعی مناطق نفتی بود که به گسترش تغییرات اجتماعی در مناطق نفت خیز منجر شد. بنابراین ساخت مدارس در حوزه عملیات شرکت نیز از دیگر اقداماتی بود که در جهت توسعه و گسترش عملیات اکتشافی شرکت صورت گرفت. شرکت نفت ایران و انگلیس تاجنگ جهانی اول مدارس راتحت نظر داشت، ولی پس از خاتمه جنگ آن رابه کارگران ایرانی محول کرد (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۳: ۵۶-۵۱). رونق و گسترش مدارس شرکت نفت از زمانی شروع شد که بعد از قرارداد ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش. طراحی هشت ساله از طرف مدارس وزارت دارایی به شرکت داده شد که شرکت ناچار شد آن را قبول کند. طی این طرح شرکت موظف بود که در ساخت تعدادی مدرسه، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای ساخت دانشکده فنی، خانه سازی و توسعه بهداشت کمک مالی کند (طرفی، ۱۳۸۳: ۴۳۲).

بعد از این طرح وضع بهداشت و فرهنگ شرکت در حوزه‌های عملیاتی خویش بهتر از قبل شد طبق اسنادی که بعد منتشر شد، شرکت در ۱۳۱۳ ش. کمک هزینه‌ای به مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال برای تجهیز مدارس که در حوزه عملیات شرکت بودند، پرداخت کرد (ساکما، ۲۴۰/۶۸). شرکت نفت تأکید داشت که منظور از مدارس مورد نظر شرکت مدارس عادی ابتدایی و متوسط بود که در نواحی عملیات شرکت تاسیس شده بودند (ساکما، ۲۴۰/۶۸). شرکت درسندی در ۱۳۱۳ ش. هدفش را از تاسیس مدارس در خوزستان دو عامل مهم ذکر کرده است الف: تهیه کارکنان آزموده جدید برای اداره امور شرکت ب: ایجاد موسسه‌های معارفی در خود مراکز عملیاتی برای تربیت کودکان کارکنان ایرانی تا بتواند به این وسیله اعضای لایق را در خدمت شرکت نگاه دارد شرکت از همان آغاز که بودجه‌ای را به مدارس اختصاص داده بود طی تلگرافی از آقای داور وزیر مالیه وقت تقاضا کرده بود که حقوق بیشتری به معلمانی که در مراکز عملیات شرکت هستند داده شود، البته شرکت این امر را نیز یادآور شد که تعهدی ندارد که به معارف مراکز مهم عملیاتی یا معارف خوزستان اعانه بدهد، ولی می‌تواند مساعدت مالی را در این زمینه انجام دهد (ساکما، ۲۴۰/۶۸).

در دوره رضاشاه تاجنگ جهانی دوم همواره جدال و چانه زنی بین دولت مرکزی شرکت نفت وجود داشت جدال بر سر هزینه مدارس و مواد آموزشی وجود داشت آموزش و پرورش حاضر نبود این هزینه‌ها را تقبل کند و از طرفی شرکت نیز معتقد بود که یک شرکت تجاری است و تعلیم و تربیت دانش آموزان برعهده آن شرکت نیست، ولی بعدها شرکت برای حفظ منافع خودش مجبور شد این هزینه‌ها را تقبل کند (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱: ۳۲). امکانات و تسهیلات رفاهی برای کارکنان نیز از دیگر خدمات شرکت در راستای عملیات اکتشاف خویش بود به گفته نویسنده کتاب رئیس نفت «از بازی‌های تنیس، گلف و فوتبال تا تیراندازی، اسکواش، قایق سواری، بریج، عکاسی، نقاشی و تئاتر و پارتنی‌های شبانه همه در دسترس بودند با این تفاوت که دسترسی به این نوع تفریحات در انگلستان مستلزم پیمودن بعد مسافتی زیادی بود» (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲: ۲۷۳).

شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق نفت خیز باشگاه‌هایی مجهز به اتاق استراحت، اتاق بیلارد، اتاق مطالعه، معمولاً سالن رقص، سکوی نمایش و اتاق تعویض لباس نیز برای کارکنان

به خصوص اروپائیان ساخت (عباسی شهنی، ۱۳۸۲: ۱۶۸). با این حال عضویت باشگاه‌های عمده شرکت، حق رفتن به سینما، سوار شدن اتوبوس‌های خصوصی و استفاده از مغازه‌های شرکت که کالاهای اروپایی داشت، استفاده از زمین‌های ورزشی و استخرهای شنا فقط اختصاص به انگلیسی‌ها و محدودی از ایرانیان عالی رتبه داشت (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۵۵). در زمان تسلط شرکت نفت ایران و انگلیس، انگلیسی‌ها و هندی‌ها اغلب با کلاه چوب پنبه‌ای در شهر دیده می‌شدند اروپایی‌ها در استخرهای آب خنک به شنا و آب تنی می‌پرداختند در حالی که زنان کارگران ایرانی ساعت‌ها جلوی شیرآب صف می‌کشیدند تا سطل و کوزه‌های خود را پرکنند (معتضد، ۱۳۷۸: ۵۳۲).

صنعت نفت و امکانات درمانی - بهداشتی در آبادان

از دیگر وجوه بارز تأثیرات و تغییرات کشف نفت و آثار آن در آبادان را می‌توان در حوزه بهداشت و درمان ذکر کرد. یکی از حوزه‌هایی که به نظر می‌رسد بیشترین میزان تغییر و تحول را تحت تأثیر کشف نفت تجربه نمود. در سال‌های ابتدایی کار شرکت نفت در حوزه جغرافیایی جنوب غرب ایران، تیم پزشکی شرکت نفت به عموم مراجعه کنندگان اعم از مستخدمان آن شرکت یا غیر مستخدمان، سرویس و خدمات درمانی ارائه می‌کرد. اگر چه این خدمات بیشتر برای جلب توجه و همکاری مردم نسبت به اروپاییان و خارجیان مهاجر بود، اما نمی‌توان منکر تأثیر آن در بهبود کیفیت زندگی مردم بومی شد. اینان که اغلب پذیرش بیگانگان را نداشتند و در موارد متعدد با آنان درگیر شده، یا اموالشان را بارها به سرقت برده بودند و از کار کردن برای آنان امتناع می‌ورزیدند، با برقراری ارتباط نزدیک تر و دریافت خدماتی درمانی و بهداشتی، قدرشناسانه سعی در جبران این زحمت داشته و محبت ویژه‌ای نسبت به کارکنان و رؤسای شرکت نفت پیدا می‌کردند (راسخی لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

این تجربه‌ای بود که در اغلب مستعمرات از آن بهره گرفته شده و در ایران نیز به خوبی نتیجه داد. همچنین کمی بعدتر با توجه به افزایش نیروی کار در شرکت و خطر آفرینی نوع کارگران و مخاطرات فراوانی که آنان را تهدید می‌کرد، ضرورت وجود مراکز درمانی کاملاً روشن شد. بنابراین خدمات رسانی به مستخدمان آسیب دیده تاسیسات نفتی به عنوان انگیزه

ایجاد بیمارستان‌ها در اولویت جدی قرار گرفت. تا پیش از این تاریخ نه این همه نیروی انسانی در منطقه خوزستان یکجا جمع شده بودند و نه این همه خطرات و آسیب دیدگی در میان مردم یک منطقه معمول بود. عشایر و مردمان محلی نیز به شیوه‌های سنتی و از طریق طب گیاهی تا حدودی مشکلات و بیماری‌های موجود را درمان می‌کردند، اما حوادث بی‌شماری که در ارتباط با کار نفت برای کارگران پیش می‌آمد، آنقدر فراوان و جدی بود که پیش بینی محلی درمان و وجود پزشکان متبحر برای رسیدگی به آن غیر قابل اجتناب بود. مشکلات از قبیل قطع عضو، سوختگی‌های شدید، خرد شدن در زیر بار ابزارها و لوازم سنگین حفاری و لوله‌های نفتی و... از معمول‌ترین حوادث بود که می‌توانست سبب اعزام کارگران به بیمارستان شود. نخستین بیمارستان در مناطق نفت خیز در سال ۱۹۱۴م / ۱۲۹۳ش توسط فردی به نام «ام. وی. یانگ»^۱ در مسجد سلیمان تأسیس شد. دکتر یانگ، ابتدا رییس کل اداره تأمین شرکت در مسجد سلیمان بود که در بین انگلیسی‌ها به «مامور سیاسی» لقب داشت. بیمارستان مسجد سلیمان مدت‌های مدیدی تنها بیمارستان مناطق نفت خیز به شمار می‌آمد و به سایر مناطق نفت خیز خوزستان خدمات درمانی ارائه می‌نمود (سرداری پور، ۱۳۸۷: ۷۷).

البته باید اذعان کرد علیرغم ایجاد امکانات جدید بهداشتی و بیمارستان در منطقه با توجه به سیاست شرکت نفت و نگاه استعماری آنها نسبت به بومیان محلی و کارگران شاغل در مناطق نفتی وجود تبعیض در بین کارمندان و کارشناسان غیر ایرانی-انگلیسی و هندی و ایرانی امری بارز و چشمگیر بود. از آنجا که سیاست شرکت نفت طبقاتی کردن کارکنان نفت و در ابعاد وسیع‌تر ساختن اجتماعی طبقاتی و سلسله مراتبی بود، این سلسله مراتب و نگاه طبقاتی در رده‌بندی شغلی در صنعت نفت با تفاوت گذاشتن میان کارکنان اروپایی با هندی و هندی با ایرانی در ارائه حقوق و دستمزد خدمات بهداشتی و درمانی و استفاده از بیمارستان‌ها و تهیه مسکن و سرپناه ساخت محله‌های شهری و ارائه خدمات شهری همچون آب لوله کشی، نظافت خیابان‌ها در شهرهای مسجد سلیمان و آبادان مشاهده می‌شد. این بخشی از طرح استعماری صنعت نفت و شرکت شهرهای نفتی بود که هر کس جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و هر دسته و

¹M.V.yang

طبقه رابطه با هم نداشته باشد. بنابراین کارگران ایرانی به رغم استخدام در شرکت نفت مجاز به استفاده از بیمارستان‌ها و امکانات مخصوص اروپاییان و هندی‌ها در شرکت -شهرها نبودند. (عباسی‌شهنی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

باتوجه به اتفاقات یادشده بعد از پیدایش صنعت نفت در آبادان باعث تغییر تدریجی و ایجاد هویتی جدید به نام «شرکتی» در این شهرها شد. در آغاز شاهد تقابل دو هویت کاملاً نامتوازن در شهرک نفتی آبادان هستیم، یعنی هویت بیگانه درمقابل هویت جامعه‌ای که مردمانش هنوز بسیار سنتی، روستایی، ساده، بی‌پیرایه و در برخی نقاط چادر نشین بود (دورتینگ، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

در این دوره تنها از نیروی کار کارگران ایرانی در مشاغل پست و اولیه استفاده می‌شد و این گروه سهمی دراستفاده از خدمات زندگی انگلیسی نداشتند، چراکه حوزه سیاست (برنامه‌ریزی و رهبری) به کلی در اختیار انگلیسی‌ها قرار داشت. در گام بعدی که تاحدودی کارگران و کارمندان ارشد ایرانی سهمی در مسکن و خدمات نوین آن یافتند، تحول هویت با رسوخ تمدن پیشرفته وارداتی غرب در تمدن بدوی منطقه اتفاق افتاد. این تمدن باعث هنجارهای جدید و تغییر در شکل زندگی مردم شد و روابط سنتی اجتماعی از هم گسیخت و مردم باهرنژاد و قومیتی مشروط برآنکه تابع قوانین شرکت باشند در طبقه کارگرشرکت قرار می‌گرفتند. فناوری باعث مقابله با شرایط نامطلوب طبیعت و تسلط بر آن می‌شد، یعنی تمدن که باید برآمده از فرهنگ جامعه و متناسب با هنجارها و شیوه زندگی مردم و نتیجه سیاست‌گذاری متولیان آن جامعه باشد، در حرکتی معکوس باعث تغییر در شکل زندگی مردم و عناصر محیطی جامعه و در نهایت تغییر فرهنگ شد. باتوجه به اینکه در پایان این دوره شرکت نفت نزدیک به هشتاد هزار نیروی کار ایرانی را در استخدام خودداشت می‌توان به تأثیر عظیم این جریان بر مردم منطقه پی برد (احسانی، ۱۳۷۸: ۱۲). همان‌گونه که پالایشگاه و چاه‌های نفت نیروی کار را تربیت می‌کرد، زندگی در شرکت شهرها و مناطق مسکونی و تفریحی آن علاوه بر اسکان خانواده‌های آنها، وظیفه اجتماعی کردن و نوعی نظارت پنهان را برعهده داشت. شایان ذکر است دوره تثبیت این هویت جدید، کمتر از نیم قرن به طول انجامید. با خروج نیروهای بیگانه، ایرانی‌ها زمام امور نفت را در دست گرفتند و نیروی کار ایرانی جای خارجی‌ها

را گرفت. لیکن همان گزارش‌ها و سیاست‌گذاری‌های قبلی ادامه یافت؛ مسکن‌کاری و نیز شهرهای نفتی به شدت توسعه یافتند و هویت جدید به صورت کاملاً جا افتاده، ولی متفاوت با سایر بخش‌های شهر در آمد و این شهرها را تبدیل به شهرهایی دوگانه ساخت (احسانی، ۱۳۷۸: ۲۲).

صنعت نفت و اضمحلال شیوه سنتی و اقتصاد بومی آبادان:

در سال‌های آغازین واگذاری امتیاز نفت به کمپانی داری نیروی کار در حوزه‌های نفتی برای مسئولان کمپانی بسیار سخت بود. افراد روستایی نخستین گزینه‌های انتخابی بودند که گاه حاضر به همکاری با شرکت نفت می‌شدند. اما، اغلب با فرارسیدن فصل برداشت، کار را رها کرده و به روستا بر می‌گشتند (.....). (.....).

مردم شهرهای خوزستان، در اثر تغییر شیوه معیشت، که به واسطه نفت و وجود شرکت نفت در خوزستان روی داده بود، شهرهای آباد خویش را رها کرده و به دور کارخانه‌ها و چاه‌های نفت جمع شدند. با اکتشاف نفت فرصت اشتغال در منطقه فراهم شد، ولی زمانی که زارعان و باغداران خوزستان مزارع و باغ‌های خود را رها کردند و به طرف میدان‌های نفتی سرازیر شدند، از میزان تولید محصولات کشاورزی کاسته شد. این افراد بارها کردن شغل کشاورزی، کارهای پست و سنگین انجام می‌دادند. کشاورزان و صنعت‌گران اصفهانی، چهارم‌حالی و یزدی به آبادان می‌آمدند و کشاورزی و صنعتکاری را رها می‌کردند تا در شرکت به شغل فراشی و کارگر ساده استخدام شوند، ولی این افراد ناخودآگاه تحت تاثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲: ۳۰۲).

بنابراین به نظر می‌رسد در سال‌های قبل از اکتشاف نفت، جامعه خوزستان جامعه سنتی بود که شیوه معیشت اهالی شهرها و روستاهای آن برپایه کشاورزی، یکجانشینی و کوچ نشینی بود و با شروع عملیات حفاری به تدریج مردم به سمت فعالیت‌های حفاری نفت رو می‌آوردند. با شروع عملیات حفاری در مناطق نفت خیز و روی آوردن مردم به تاسیسات نفتی در نوع اشتغال مردم منطقه تغییر اساسی ایجاد شد. بدین ترتیب، مردم منطقه که فعالیت‌هایشان حول محور کشاورزی و دامپروری می‌چرخید، کار خویش را رها کردند و به کار جدیدی رومی

آوردند. اکتشاف نفت فرصت‌های شغلی فراوانی ایجاد کرد و با پرحجم شدن عملیات نفتی و افزایش سطح تولید و توزیع درآمد ناشی از مشاغل نفتی، فعالیت‌های اقتصادی دیگری همچون کشاورزی کم‌رنگ شد (علم، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

درابتدای فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس، کارمندان ایرانی وجود نداشت و فقط از خوانین محلی و شیوخ برای آرام گردانیدن مردم استفاده می‌شد و با پرداخت مبالغ بالا به خوانین و شیوخ سعی در آرام گردانیدن مردم داشت، ولی با افزایش تشکیلات شرکت احتیاج به کارگران و کارمندان ایرانی افزایش یافت و برای این کار ابتدا شروع به استخدام با سوادان محلی کرده که می‌توانستند بنویسند و بخوانند و استعداد یاد گرفتن زبان انگلیسی را داشتند اما شرایط استخدام آنها به هیچ وجه با شرایط استخدام کارمندان انگلیسی منطبق نبود و ایرانیان با سواد از کارمندان درجه دوم شرکت محسوب می‌شدند (افشین، ۱۳۳۳: ۱۲۳). همه کارکنان فنی، اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند، انگلیسی و همه کارمندان دفتری و عموم کارگران فنی و حتی آشپزخانه و پیشخدمت‌ها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای غیرفنی به ایرانیان محول شده بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یک عده بنا و نجار وعده معدودی که زیردست هندی‌ها وانگلیسی‌ها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی از ایرانیان هم به عنوان منشی و میرزا استخدام شده بودند که کمی انگلیسی می‌دانستند (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۸). از کارگران ساده برای عملیات جاده سازی، حمل و نقل به وسیله قاطر والاغ، حمل ماشین آلات و مواد گوناگون و نصب وسایل حفاری استفاده می‌کردند. بعضی‌ها که در اطراف کشور دانش مهندسی کسب کرده بودند به وسیله مهندسان اروپایی آموزش تخصصی بیشتری کسب کردند (عباسی شهنی، ۱۳۸۲: ۲۴).

به نظر می‌رسد باگسترش فعالیت‌های نفتی درخوزستان، بازارهای شهری نیز رونق یافت. بازار در این رهگذر به محلی برای رفع نیازمندی‌های کارگران و کارمندان تبدیل شد. حقوقی که به کارگران پرداخت می‌شد هر دو هفته یک بار و بادیافت چتی^۱ (کارت کوچکی که مبلغ حقوق بر روی آن درج شده بود) بین کارگران توزیع می‌شد. وقتی که شرکت تصمیم می‌گرفت مبلغی به دستمزد کارگران اضافه کند بازاریان از این امر خوشحال می‌شدند که

کارگران بک پی^۱ (مقدارپولی که از تاریخ تصویب اضافه دستمزد تا تاریخ پرداخت عملی آن به کارگران پرداخت می‌شد) حقوق خود را خرید خواهند کرد (وزیری، ۱۳۸۰: ۲۷۷). البته شرکت نفت ایران و انگلیس در مراکز عمده خود مغازه‌هایی داشت که همه مایحتاج کارمندان را از خارج وارد می‌کرد و تا زمان عقد قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ ه.ش) کالاهایی که در این مغازه‌ها به فروش می‌رسید، به کارمندان انگلیسی اختصاص داشت، ولی بعد از قرارداد ۱۹۳۳ شرایط تا حدودی بهتر از قبل برای کارکنان ایرانی در نظر گرفته شد (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۱).

احداث فروشگاه‌ها نیز از اقدامات مهم شرکت جهت تامین رفاه کارکنان و حفظ قدرت خرید آنها در تشکیلات خود بود. این فروشگاه‌ها که به استور^۲ معروف بودند به فروشگاه‌های کارگری و کارمندی تقسیم می‌شدند که نقش مهمی در تعدیل قیمت‌ها و حفظ و بالا بردن قدرت خرید کارکنان ایفا می‌کردند. جیره ماهانه کارگران به نام ریشن^۳ طبق برنامه مشخص در فروشگاه‌های کارگری توزیع می‌شد (عباسی شهنی، ۱۳۸۲: ۳۴۹).

فروشگاه‌های شرکت نفت تا ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ه.ش فقط به انگلیسی‌ها جنس می‌فروختند، تا اینکه این فروشگاه‌ها برای وارد کردن کالاهای خود از معافیت گمرکی برخوردار شدند و به شرط آنکه به کارگران ایرانی جنس بفروشند درهای خود را به سوی ایرانیان گشودند (وزیری، ۱۳۸۰: ۳۳۱).

تأثیر صنعت نفت در معماری و بافت شهری آبادان

بارونق فعالیت‌های اکتشافی شرکت نفت ایران و انگلیس نیاز به ایجاد مسکن کارگری، کارمندی و بنگله‌ها به یکی از مهمترین دغدغه‌های شرکت تبدیل شد. تا قبل از اینکه نظارت حکومت مرکزی در خوزستان گسترش یابد (قبل از ۱۳۰۳ ه.ش) شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی، در مناطق نفت، به ویژه آبادان، خانه‌هایی با امکانات رفاهی می‌ساخت. کارکنان هندی و پاکستانی نیز در اتاق‌هایی که به شکل سربازخانه بنا شده بود سکنی داشتند، ولی برای کارکنان ایرانی خانه و مسکن ساخته نشد، به گونه ای که آنها مجبور بودند در کپرهای حصیری

ودر خانه‌های متفرقه ای که ساخته بعضی افراد بود زندگی کنند. از ۱۳۰۳ ش. که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر شد، کارکنان ایرانی شرکت که احساس می‌کردند حکومت مرکزی سرپرست آنها است دیگر حاضر نبودند شرایط خفت بار پیشین را تحمل کند (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۸).

به تدریج با توسعه عملیات نفتی در ایران و افزایش تعداد نیروی کار، تأکید شرکت بر ساخت خانه‌های مطلوب و مناسب بیشتر شد، تا جایی که شرکت در تولید و ارائه برق، خدمات درمانی، آب تصفیه شده و زهکشی به شهرداری محل کمک می‌کرد (طرفی، ۱۳۸۳: ۲۴۸). با ادامه و گسترش عملیات اکتشافی و ورود تعدادی کارشناس خارجی نیاز به واحدهای مسکونی و اداری بیشتر کاملاً محسوس بود، ولی تفکر اصلی و غالب بر مسئولان وقت (معطوف به عملیات اکتشاف، حفاری و بهره برداری) مجال برای مسائل رفاهی کارکنان باقی نگذاشت و علیرغم احداث چندین ساختمان هنوز تمامی کارگران بومی و تعدادی از کارشناسان و کارمندان رده پایین در چادر به سر می‌بردند، بدین ترتیب، شرکت برای حل این مشکل ساخت چندین باب ساختمان را به پیمان کاران محلی واگذار کرد (کسای، ۱۳۸۶: ۵).

با افزایش عملیات و گسترش فعالیت‌های شرکت نفت ساختمان‌هایی ساخته شد که در آن‌ها هنر و معماری و ظرافت در طراحی ساخت منازل دیده می‌شد. در مسجد سلیمان که نقطه عطف توجه شرکت نفت ایران و انگلیس بود، برای کارکنان شرکت سه نوع ساختمان‌سازی صورت گرفت. به گفته عباس شهنی: «بنگله‌های بزرگ و جادار مخصوص کارکنان سطح بالا، بنگله‌های کوچکتری برای کارمندان، خانه‌های ردیفی برای کارگران ماهر و ساده که آن‌ها را ده فوتی و بیست فوتی می‌گفتند. طراحی خانه‌ها به خاطر گرمای هوا طوری ساخته شده بود که نور کمتری به آن بتابد» (عباس شهنی، ۱۳۸۲: ۱۵۹). بنگله، از لفظ خارجی بنگلو، به معنی خانه یا محل نشیمن گرفته شده است (یعقوبی نژاد، ۱۳۷۲: ۱۷۴). در ساخت بنگله‌ها، که بیشتر مخصوص رئیس‌ان و مدیران خارجی شرکت نفت در مسجد سلیمان بود، از هنر و معماری و ظرافت در طراحی و ساخت منازل استفاده می‌کردند. سنگ نمای ساختمانی صیقل خورده ای، درهای تمام چوب با کنده کاریهای ساختمان آثاری از گچ‌بری در سقف و دیوارها دیده می‌شد. خصوصیات دیگر اینگونه اماکن، پوشش ایرانی در جلوی ساختمان و قسمت‌های

دیگر آن، که در معرض مستقیم تابش آفتاب بوده است و در کنار این ساختمان‌ها از ایجاد فضای سبز نیز غافل نماندند و این درختان فضای دلپذیری را برای خانه‌های کارکنان سطح بالا فراهم کرده بود (کسایی، ۱۳۸۶: ۸).

به نظر می‌رسد برای کارگران، که ابتدا در جاده‌های حصیری زندگی می‌کردند، به تدریج خانه‌هایی مناسب ساخته شد، ولی امکانات رفاهی این خانه‌ها به پای خانه‌های کارمندی نمی‌رسید. به طور کلی، معماری داخل ساختمان‌های کارگری و کارمندی بسیار ساده بود، ولی منازل مسئولان شرکت، که اغلب انگلیسی‌ها در آن ساکن بودند از معماری خاصی بهره می‌برد. پنجره‌ها در عمق دیوار قرار گرفته، به طوری که حداقل گرما به داخل نفوذ می‌کرد. در داخل سالن نیز شومینه با گچ بری ساده پیرامون آن و آجرنسوز در داخل آن حاکی از تبحر و تجربه معماران آن دوره بود. بسیاری از کارشناسان این نوع معماری را الهام گرفته از منازل قدیمی انگلستان می‌دانند با این تفاوت که کاربرد شیروانی در انگلستان بیشتر به جهت محافظت از نزولات آسمانی بوده و هدف از تعبیه شومینه در انگلیس این بود که به جای سوخت گاز از زغال سنگ و چوب استفاده می‌گردید. آنچه مسلم است با توجه به اشراف کامل مسئولان خارجی، به ویژه انگلیسی‌ها به همه امور وارکان نفت، همه ساخت و سازها با طراحی و نظارت آن‌ها صورت می‌گرفت. خیابان بندی و ایجاد معابر در بخش‌های مختلف مسکونی و اداری با همان سبک و سیاق اروپایی شکل می‌گرفت.

بنابراین با کشف نفت، نوع سکونت و شهرنشینی نیز دچار تغییرات اساسی شد. خانم پولین لاوانیه، پژوهشگر فرانسوی، که رساله تحصیلی وی در خصوص شرکت شهرهای شرکت نفت ایران و انگلیس بود معتقد است: «ورود مدرنیته به ایران از طریق خوزستان بوده و از راه همان شهر سازی نوین. زیرا پیش از آن شهر نشینی نوین وجود نداشته و این نوع شهرنشینی، با استقرار صنعت نفت ایجاد شده است» (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱: ۴۱). کاوه احسانی که مقالاتی در مورد نقش شرکت نفت و تأثیر آن در خوزستان نوشته نیز معتقد است: «صنعت نفت شهرهایی در خوزستان ایجاد کرد که تفاوت اساسی با سایر شهرهای ایران داشتند. یکی از کارکردهای مهم شهرهای کلاسیک تأمین قسمتی از نیازهای روستائیان از لحاظ بعضی از مواد غذایی، پوشاک و نیز ابزار تولید و جذب و توزیع مازاد اقتصادی روستا بوده است در صورتی

که شهرهایی که شرکت نفت ایجاد کرد، فاقد این کارکرد مهم بوده‌اند و کارکرد اصلی آن‌ها سازمان دهی و سازمان‌یابی آنها در ارتباط با نیازهای صنعت نفت و شرکت نفت ایران و انگلیس بوده است» (کتاب خوزستان، ۱۳۸۱: ۲۴).

نتیجه‌گیری

صنعت نفت باعث تحول هویت و ایجاد هویتی شرکتی در آبادان گردید، زیرا به دلیل ضعف دولت مرکزی، شرکت نفت توانست پس از تعامل با شیخ خزعل خود را به عنوان رهبر و برنامه‌ریز در منطقه مطرح کند. با ورود فناوری و خدمات نوین زندگی به منطقه، بخش عمده‌ای از جامعه روستایی و عشایری که به خدمت شرکت نفت درآمدند که آشنایی اولیه ایشان و سپس استفاده از خدمات رفاهی و مسکونی انگلیسی‌ها، به تغییر رفتارها و شکل زندگی گذشته تاریخی منجر شد. همچنین توسعه فرهنگی، اجتماعی و ورزشی باعث ایجاد طبقات فرهنگی و روشنفکر در جامعه جدید شد و توانست هویتی مستقل ایجاد کند که فرهنگ آن از یک سو با تمدن نوین در تماس بود و گذشته خود، دین و برق آداب و رسوم را حفظ کرده بودند. مجموعه فعالیت‌های وسیع صنعتی در پالایشگاه و احتیاجات و روزافزون به نیروی انسانی فعال، باعث مهاجرت عده کثیری از روستائیان و شهرنشینان مختلف خوزستان و جنوب ایران به آبادان شد.

با توجه به اتفاقات یاد شده بعد از پیدایش صنعت نفت در آبادان باعث تغییر تدریجی و ایجاد هویتی جدید به نام شرکتی، در این شهر شد. در آغاز شاهد تقابل دو هویت کاملاً نامتوازن در شهر نفتی آبادان هستیم، یعنی هویت بیگانه در مقابل هویت جامعه درک مردمانش هنوز بسیار سنتی، روستایی، ساده و در برخی نقاط چادر نشین بود. در خصوص نقش شرکت نفت در خوزستان شایان ذکر است صنعت نفت شهرهایی در خوزستان ایجاد کرد که تفاوت اساسی با سایر شهرهای ایران داشتند. یکی از کارکردهای شهرهای کلاسیک تامین قسمتی از نیازهای روستائیان از لحاظ برخی موارد از جمله مواد غذایی، پوشاک و نیز جذب و توزیع مازاد اقتصادی روستا بوده است در صورتیکه شهرهایی که شرکت نفت ایجاد کرد فاقد این

کارکرد مهم بوده‌اند و کارکرد اصلی آنها سازمان دهی و سازمان یابی آنها در ارتباط با نیازهای صنعت نفت و شرکت نفت ایران و انگلیس بوده است.

منابع

- ۱- احسانی، کاوه. (۱۳۷۸). تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت شهرهای خوزستان: نگاهی به تجربه آبادان و مسجدسلیمان، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۵.
- ۲- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). نگاهی به تاریخ خوزستان، مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی منطقه، تهران، بلور.
- ۳- افشین، کاظم. (۱۳۳۳). نفت و خوزستانیان، تهران، بی‌نا.
- ۴- اطهاری، کمال. (۱۳۷۰). مسجدسلیمان؛ شرکت شهری مدنیت یافته، ماه‌نامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۷ و ۴۸.
- ۵- باور، سیروس. (۱۳۹۰). شرکت شهر مسجدسلیمان، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۳۶.
- ۶- جعفری قنواتی، محمد. (۱۳۸۳). نفت و بازتاب آن در داستان نویسان خوزستان، فضا نامه مطالعات ملی، شماره ۱۹.
- ۷- دورتینگ، پولین لاوین. (۱۳۸۲). شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان، مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرک نشینی (۱۹۵۱-۱۹۰۸)، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۵.
- ۸- ذوقی، ایرج. (۱۳۷۵). مسائل سیاسی نفت ایران، تهران، پازنگ.
- ۹- راسخی لنگرودی، احمد. (۱۳۸۵). مردان نفت، تهران، کویر.
- ۱۰- ربابه معتقدی و دیگران. (۱۳۹۲). صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۴.
- ۱۱- سرداری پور، محمدرضا و علی ایزدی نژاد. (۱۳۸۷). حکایت سیمرخ و نفت، تهران: اساطیر.

- ۱۲- سلیمانی، کریم، وحیدی‌راد، میکائیل. (۱۳۸۹). «مذاکرات نفت ایران وانگلیس و تجدیدنظر در قرارداد داری در دوره رضاشاه»، تاریخ ایران، شماره ۶۴-۶۵
- ۱۳- سند شماره ۲۴۰/۶۸، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴- سند شماره ۲۴۰/۱۸۶۲۸، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- سند شماره ۲۹۳/۲۱۹، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۶- سند شماره ۲۴۰/۲۳۳۶، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۷- سند شماره ۲۴۰/۷۶۹۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۸- سند شماره ۲۹۶/۵۲۱۳، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۹- شوادران، بنجامین (۱۳۵۴). خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۲۰- طرفی، عباس. (۱۳۸۳). مدیران صنعت نفت ایران، ج ۱، بی جا، ناشر مؤلف.
- ۲۱- عاقلی، باقر. (۱۳۶۹). روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: گفتار.
- ۲۲- عباسی شهنی، دانش. (۱۳۷۴). تاریخ مسجد سلیمان از روزگار باستان تا امروز، تاریخ تحولات صنعت نفت، هیرمند، چاپ اول.
- ۲۳- علم، محمدرضا. (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی در اهواز: علل و زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی (ج ۱)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۴- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، ج ۲، تهران، گستره.
- ۲۵- فاتح، مصطفی. (۱۳۸۴). پنجاه سال نفت در ایران، تهران: علم.
- ۲۶- قاسمی، ایرج. (۱۳۸۷). تاریخ یکصدساله مناطق نفت خیز جنوب (ج ۱)، بی جا: روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب.
- ۲۷- کتاب خوزستان. (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خوزستان) (۱۳۸۱) ج ۱، تهران، سایه هور.
- ۲۸- کسروی، احمد. (۱۳۶۲). تاریخ پانصدساله خوزستان، انتشارات خواجه.

- ۲۹- کریسون، مارک. (۱۳۸۵)، آبادان: شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت ایران وانگلیس، ترجمه فرزین فردانش، شماره ۶.
- ۳۰- کسایی، احمد. (۱۳۸۶). مروری بر تاریخچه معماری و عملیات ساختمانی مناطق نفت خیز جنوب، بی جا، روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب.
- ۳۱- گیرشمن، رومن. (۱۳۵۱). «صفه مقدس در مسجد سلیمان»، ترجمه مسعود رجب نیا، ماهنامه هنر و مردم، شماره ۱۲۱.
- ۳۲- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۴)، جامعه شناسی آبادان، انتشارات کیان مهر. ایران
- ۳۳- معتضد، خسرو. (۱۳۷۸). جنگ نفت روی شن های داغ، تهران، علمی.
- ۳۴- معتقدی، ربابه و دیگران. (۱۳۹۲). «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب»، تحقیقات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم
- ۳۵- وزیری، شاهرخ. (۱۳۸۰). نفت و قدرت در ایران: از قنات تا لوله، مرتضی ثاقب فر، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطایی.
- ۳۶- ویلسون، آرنولد. (۱۳۶۳). سفرنامه ویلسون یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجم حسین سعادت نوری، تهران، وحید.
- ۳۷- یرگین، دانیل. (۱۳۷۴). تاریخ جهانی نفت، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، اطلاعات
- ۳۸- یعقوبی نژاد، علی. (۱۳۷۲). رئیس نفت، بی جا: یادواره کتاب.

.....
.....
.....



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی